

شهرهای جدید هویت‌مند؛ نگاهی به مبانی طراحی ایجاد هویتی نو در شهرهای جدید

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸

کد مقاله: ۸۰۲۷۷

آیسان درزی^۱

چکیده

با توسعه جوامع انسانی و انبوه‌سازی کلیشه‌ای انسان‌ها در شهرهای جدید، محیط‌های شهری به عنوان یک مکان، نه بر مبنای خواسته‌ها و ارزش‌های مردمی بلکه به صورت تصنعی و به دور از هویت انسانی شکل می‌گیرند. این در حالیست که توجه به جایگاه هویت شهری و دلبستگی ساکنین به شهر و کاربست آن به صورت علمی می‌تواند بسیاری از مشکلات شهرهای جدید نظیر: فقدان تاریخ، فرهنگ، خاطره جمعی و غیره را مرتفع سازد. بدین منظور در پژوهش حاضر، که از نظر ماهیت کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی می‌باشد: ابتدا ادبیات مرتبط با هویت، هویت شهری و شهر جدید از طریق مطالعات کتابخانه‌ای توصیف شده‌اند، سپس به منظور دستیابی به اهداف پژوهش که پاسخ به این پرسش‌ها: "مولفه‌های سازنده طراحی شهرهای جدید هویت‌مند کدامند؟" و "چه شاخص‌هایی به عنوان مکمل هریک از مولفه‌های سازنده طراحی شهرهای جدید هویت‌مند وجود دارد؟" می‌باشد، ارتباط بین مفاهیم سازنده مبانی طراحی شهرهای جدید هویت‌مند روشن شده‌است. درنتایج برآمده از پژوهش نیز متناسب با هر مولفه کالبدی، فعالیتی، اجتماعی و ادراک بصری شاخص‌هایی نظیر: ایجاد ارتباط بهینه میان محیط طبیعی و شهر، فعالیت‌های بومی محلی و منطقه ای، میزان تعاملات اجتماعی، وجود ساختمان‌های جذاب و ... ارائه شده است.

واژگان کلیدی: هویت، هویت شهری، شهر جدید

۱- مقدمه

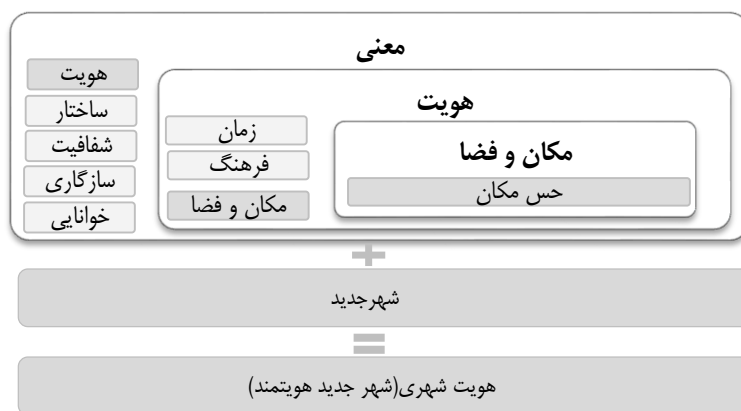
با توسعه جوامع انسانی در قالب شهرهای جدید و تغییر شیوه زندگی مردم، توجه طراحان شهری به کیفیت فضاها و محیط‌های ساخته شده و بالاخص ادراک و تجربه مکان افزایش یافته و نقش طراحی به عنوان ابزاری برای شکل دادن به محیط زندگی و پاسخ‌گویی به توقعات و نیازهای انسان اهمیت بیشتری یافته است. زیرا امروزه محیط‌های شهری به عنوان یک مکان، نه بر مبنای خواسته‌ها و ارزش‌های مردمی بلکه به صورت تصنعی و به دور از هویت انسانی شکل می‌گیرند. این در حالیست که هدف طراحی شهری سازماندهی کالبدی عرصه عمومی شهر به نحوی است که موجبات ارتقا کیفیات عملکردی، زیست محیطی و تجربه زیبایی‌شناختی مکان‌های شهری و از آن طریق موجبات ارتقا کیفیت زندگی انسان را فراهم سازد (گلکار، ۱۳۸۲: ۲۱).

در اثر این شیوهی طراحی و برنامه‌ریزی محیط‌های شهری و به ویژه انبوه‌سازی کلیشه‌ای انسان‌ها در شهرهای جدید، بخصوص در ایران، به جای ایجاد گروه‌های اجتماعی هدفمند، انبوه‌های از افراد تشکیل می‌شود که کنار هم قرار گرفتن آن‌ها فقط ازدحام و شلوغی را در پی دارد (سجادی قائم‌مقامی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۸). مادامی که توجه به جایگاه هویت شهری و دل‌بستگی ساکنین به شهر و کاربست آن به صورت علمی می‌تواند بسیاری از مشکلات شهرهای جدید نظیر: فقدان تاریخ، فرهنگ، خاطره جمعی و... را که برآمده از رویکرد تک بعدی نگر به ساخت شهر جدید به عنوان فضایی برای اقامت و استراحت، اشتغال و یا مکانی برای جذب سرریز جمعیت کلان‌شهرها می‌باشد را مرتفع سازد (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۲).

پس بنا بر جایگاه ویژه هویت در شهر و از آنجایی که برای ایجاد شهرهای جدید، تنها جذب جمعیت کافی نیست بلکه حفظ ساکنان در این شهرها از اهمیت فراوانی برخوردار است (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۲)؛ در این پژوهش با ماهیت کاربردی، هدف آن است که به روش توصیفی-تحلیلی و با مرور ادبیات مرتبط با هویت و هویت‌شهری به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که "مولفه‌های سازنده طراحی شهرهای جدید هویت‌مند کدامند؟" و آنکه "چه شاخص‌هایی به عنوان مکمل هریک از مولفه‌های سازنده طراحی شهرهای جدید هویت‌مند وجود دارد؟" زیرا هویت یک معیار رشد است؛ وقتی یک شهر یا جامعه رشد می‌کند، بخشی از صفات هویتی‌اش در جریان رشد تغییر می‌کند و ساماندهی جدیدی می‌یابد، که در این ساختار باید به هویت‌شهری به عنوان یک معیار برای توسعه (وارثی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۸-۳۹) نگاه کرد.

۲- ادبیات پژوهش

یکی از مسائل بنیادین در شناخت و درک نقش محیط ساخته شده در زندگی مردم و نیز کسب توانایی در طراحی و دگرگونی آن در راستای ایجاد تأثیرات مثبت، فهم چپستی معنای محیط است. بنابراین هر تعریف، توصیف یا تبیین ماهیت کارکرد محیط باید با توجه به چیزی در فضای اطراف ما باشد، زیرا فضای اطراف ما اصلی‌ترین معیار تعریف محیط است (کاوش‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۴). لذا شهر نیز به عنوان فضای اطراف ما خود دارای مجموعه وسیعی از عناصر و مفاهیم متکثر و متنوعی است، که فهم آنان گام اول شناخت و ایجاد یک شهر خواهد بود. در این راستا با بهره‌گیری از تعریف لینچ^۱ در کتاب شکل خوب شهر و بنابر همپوشی با موضوع پژوهش که تأکید آن بر عنصر معنایی بیشتر است، هویت و مفاهیم وابسته و پیوسته با آن به عنوان زیر مجموعه سنجه معنی از میان هفت ارزش یا معیاری که لینچ برای شکل خوب شهر بر شمرده است نظیر: سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت، مورد مطالعه قرار می‌گیرد (Lynch, 1981) (شکل ۱).



شکل ۱- دیاگرام مفهومی جایگاه هویت در ادبیات پژوهش

1. Lynch

۲-۱- هویت عنصر پیوند دهنده مکان و شخص

مقوله "هویت"^۱ برای پاسخگویی به پرسش "چیستی یا کیستی" ابتدا حوزه‌هایی مانند فلسفه، منطق و روانشناسی را در برمی‌گرفت، ولی با توجه به تحولات علمی چند دهه اخیر دامنه آن به محیط‌های انسان ساخت نیز کشیده شده است. کربمی‌مشاور، نگین تاجی، (۱۳۹۷: ۷۱). واژه هویت در فرهنگ معین چنین تعریف شده است: آنچه که موجب شناسایی شخص باشد، یعنی آنچه که باعث تمایز یک فرد از فرد دیگری می‌شود. فرهنگ عمید هویت را حقیقت شی یا شخص می‌داند که مشتمل بر صفات جوهری او باشد. فرهنگ آکسفورد نیز به عنوان چیستی و کیستی فرد، از هویت یاد می‌کند^۲ (نوفل و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۸). بدین ترتیب می‌توان اذعان داشت، هویت از دیدگاهی، همراه با طبیعت و ماهیت آشکار می‌شود و هنگامی که تشخص می‌یابد، خود را از شیء بودن دیگر گونه متمایز می‌کند (نصر و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۷۰). از طرفی فرآیند تشخیص هویت فرآیندی قیاسی است بین عینیتی موجود با داده‌هایی از آن در ذهن، هر مکان با آن که یک موجودیت خارجی مستقل است ولی در فرآیند ادراک تبدیل به پدیده ذهنی می‌شود. لذا برای آنکه هویت ساخته شود باید منابع و مصالحی وجود داشته باشد. به بیان دیگر جامعه باید منابع هویت بخش (زمان، فرهنگ، مکان و فضا) را در اختیار افراد قرار دهد تا آنها بتوانند هویت یافته و زندگی خود را معنادار کنند (بهزادفر، ۱۳۹۰). بر این اساس چنین تعاریفی از هویت را می‌توان برای درک مفهوم هویت مکانی به کار برد؛ به این صورت که هر مکانی به عنوان یک منبع هویت است و گروه‌هایی را که در آن قرار می‌گیرند هویت می‌بخشد (وارثی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۲). مفهوم روانشناختی هویت مکان نیز برای اولین بار توسط پروشانسکی^۳ مطرح شد. وی هویت مکان را درک افراد از هویت خود در ارتباط با محیط کالبدی تعریف کرده است. به طور کلی این مقوله به واسطه الگوی ایده‌های خودآگاه و ناخودآگاه، باورها، احساسات، ارزش‌ها، اهداف و تمایلات رفتاری مرتبط با محیط شکل می‌گیرد (قشقایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۳۹). لذا در یک تعریف متداول، هویت احساس تعلق خاطر به مجموعه‌ای مادی و معنوی است که عناصر آن از قبل شکل گرفته‌اند (نوفل و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۸).

زمان: هویت بر تداوم استوار است و تداوم هم در چارچوب زمان معنا می‌یابد، حتی اگر تداوم به معنای منطقی آن باشد. بنابراین هرگونه هویت فردی و اجتماعی نیازمند تداوم فردی و اجتماعی است و چنین تداومی را احساس نمی‌کنیم، مگر در صورتی که وجود یک گذشته معنادار را فرض کنیم. از لحاظ فردی، گذشته مورد نظر همان (خاطره) است و از لحاظ جمعی (تاریخ یا فرهنگ) (بهزادفر، ۱۳۹۰).

فرهنگ: تایلور^۴ فرهنگ را مجموعه‌ای پیچیده از دانش‌ها، باورها، هنر و آداب و رسوم یک جامعه می‌داند و نولان^۵ فرهنگ را نظام‌های نمادینی از گنجینه‌های شناختی یک اجتماع معرفی می‌کند (حبیب و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۵). به عبارتی ویژگی‌های فرهنگی از اصلی‌ترین عوامل تاثیرگذار بر شکل‌گیری و تعریف شهر می‌باشند که در هویت بخشی آن نیز تاثیر گذارند (ملک افضلی، قاسم شریفی، ۱۳۹۸: ۱۵۶).

مکان و فضا: فرهنگ لغت انگلیسی وبستر، برای واژه مکان علاوه بر مفهوم جغرافیایی آن بعد اجتماعی قائل بوده و به نحوه و قرارگیری افراد جامعه در مکان‌های خاص نیز اشاره می‌کند (پورمند و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۲). به عبارتی، مکان بخشی از فضا است که به وسیله شخصی یا چیزی اشغال شده و دارای بار معنایی و ارزشی است. مکان ترکیبی است از خاطره، تجارب حسی و روایت‌ها، اما فضا گستره‌ای باز و قابل جهت‌یابی است که می‌توان آن را با مشخصات رقمی مانند طول و عرض جغرافیایی معرفی کرد (نژادستاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۴).

از دیدگاه پدیدارشناسانه^۱ نیز مکان چیزی بیش از یک محل انتزاعی است؛ مکان کلیتی است که از اشیا و چیزهای واقعی ساخته شده و دارای مصالح، ماده، شکل، بافت و رنگ می‌باشد. مکان زمینه‌ای برای فعالیت‌ها است و عموماً دارای هویت شناختی بوده و در برگیرنده عوامل اجتماعی متنوع و دارای تاریخی که گذشته، حال و آینده را به هم می‌پیوندد (سرمست، متوسلی، ۱۳۸۹: ۱۳۵) پس بدون فهم جامعی از مکان که در برگیرنده مشخصات انسانی است، مشکل می‌توان علت ویژه بودن بعضی از مکان‌ها را توضیح داد؛ زیرا مکان‌ها مملو از کیفیت‌های گوناگون هستند و زمانی این کیفیت‌ها به واسطه مداخلات انسانی به ثمر می‌رسند، که به خوبی شناخته شوند (پرتوی، ۱۳۸۲: ۴۲). بر این اساس شناخت مولفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری و یا به عبارتی مولفه‌های سازنده کیفیت در مدل‌های مکان در این زمینه کمک شایانی خواهند بود؛ زیرا با توجه به اهمیت مسأله "کیفیت مکان" به نظر می‌رسد چنانچه برنامه‌ها و مداخلات کالبدی در [شهرهای جدید]، همچون گذشته بدون توجه لازم به دانش طراحی شهری و بدون ملحوظ نمودن نظام‌مند آن در مراحل مختلف تصمیم‌گیری صورت پذیرد، هیچ گونه تضمینی برای دستیابی (کلکار، ۱۳۷۹: ۳) به شهرهای هویت‌مند وجود نخواهد داشت.

1. Identity
2. Proshansky
3. Tilor
4. Nolan

۲-۱-۱- مدل‌های مکان و مولفه‌های سازنده آن

یکی از شناخته شده‌ترین مدل‌های مکان، مدل کانتور^۱ می‌باشد که در سال ۱۹۷۷ ارائه شد، ولی قبل از وی مولفه‌های مکان در ادراک‌های رلف^۲ در کتاب "مکان و بی‌مکانی" در قالب سه مولفه "کالبد، فعالیت و معنی" در سال ۱۹۷۶ مطرح گردید. پانترا^۳ نیز در ۱۹۹۱ و مونتگمری^۴ در ۱۹۹۸ اجزا تفکر طراحی شهری را در قالب این دو مدل به صورت زیر طبقه‌بندی کرده‌اند. اگرچه جذابیت‌ها و کارایی این دو مدل باعث شده است تا دیگر صاحب‌نظران طراحی شهری نیز با الهام یا اقتباس از آن روایت‌های متنوعی از مدل مزبور ارائه نمایند (کاوش‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۴).

مولفه‌های سازنده مکان در مدل "حس مکان رلف- پانترا" عبارتند از:

- فعالیت/ کاربری، حجم فعالیت، تردد پیاده، تردد سواره، الگوهای رفتاری، محیط مصنوع، قابلیت تصور و خوانایی
- کالبد/ منظر شهری، فرم‌های ساختمانی، نفوذپذیری، منظر طبیعی، بو و صدای محیط، مبلمان شهری، نمادگرایی و خاطره، تجارب مکان، قابلیت عملی شدن

- معنا/ خوانایی، مناسبات فرهنگی، عملکردها- جاذبه‌ها، ارزیابی‌های کیفی

مولفه‌های سازنده مکان در مدل "مدل مکان کانتور- مونتگمری" عبارتند از:

- فعالیت/ تنوع، سرزندگی، زندگی خیابانی، دیدارهای چهره به چهره مردم، سنت‌ها و سرگرمی‌های محلی، سنن گذشتگان، فرهنگ کافه نشینی، ساعت‌های بازبودن مکان‌ها، حرکت، جاذبه‌ها

- فرم/ تقسیم‌بندی عمودی، عرصه عمومی، نسبت توده و فضا، نشانه‌ها، نفوذپذیری، تراکم، مقیاس

- تصویر ذهنی/ خاطره، تصویرپذیری و خوانایی، تجربه حسی، قابلیت ادراک، قدرت پذیرش دسترس روانی، جامعیت و جهان شمول بودن (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۴).

در ایران نیز گلکار با اشاره به پیشرفت دانش طراحی شهری در دهه‌های اخیر و همچنین مطرح شدن بحث پایداری مبتنی بر بوم‌شناسی، عنصر اکوسیستم را به کالبد، فعالیت و تصورات در مدل کانتور می‌افزاید و این ترکیب جدید را مدل مکان‌پایدار می‌نامد (گلکار، ۱۳۹۳: ۱۲۴). مطالعات (pps) نشان می‌دهد که مدل‌های پیشین نیازمند بازبینی هستند زیرا با رشد و توسعه شهرهای امروزی و بروز نیاز و توقعات جدید در ساکنان شهرها، بهتر است مدل‌های مکان متناسب با هر فضایی تغییر کنند. لذا (pps) در مدل مکان خود، چهار مولفه را به عنوان مولفه‌های سازنده کیفیت فضاهای شهری و یا عبارتی یک مکان معرفی می‌کند: دسترسی و اتصال، آسایش و تصویر ذهنی، کاربری و فعالیت‌ها، قابل معاشرت بودن (جامعه‌پذیری). در جمع بندی از مدل‌های فوق می‌توان به دیدگاه کانتور اشاره کرد که از نظر وی مسئله اصلی تنها شناخت فعالیت‌ها و محیط فیزیکی‌ای که در آن رخ می‌دهد نیست، بلکه آنچه اهمیت دارد، فهمیدن این است که مکان‌ها چگونه فعالیت‌ها را به فرم فیزیکی پیوند می‌زنند، براین اساس وی مکان را همچون "یگان / واحدی" برای محیط بر می‌شمارد که مردم آن را در زندگی رومزه خود تجربه می‌کنند (پاکزاد، ۱۳۹۱: ۲۳۵).

حس مکان: از دیدگاه روانشناسی محیطی انسان‌ها به تجربه حسی، عاطفی و معنوی خاص نسبت به محیط زندگی نیاز دارند. این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی هم‌ذات‌پنداری با مکانی که در آن سکونت دارند، قابل تحقق است. این تعامل صمیمی و هم‌ذات‌پنداری، روح یا حس مکان نامیده می‌شود. از نظر روانی حس مکان کاتالیزوری است که باعث تبدیل شدن یک فضا به یک مکان می‌شود (Hashemnezhad, 2013: 9). از نگاه پدیدارشناسان نیز حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است. این حس می‌تواند در مکان زندگی فرد به وجود آمده و با گذر زمان عمق و گسترش یابد (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۸). حس مکان عامل مهمی در هماهنگی فرد و محیط بوده و باعث بهره‌برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و در نهایت احساس تعلق آن‌ها با محیط و تداوم حضور در آن می‌شود (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۵). با این تفاسیر، به سبب آنکه تعامل بین انسان و مکان از عوامل اساسی در شکل‌دهی به حس مکان قلمداد می‌شود. پس می‌توان این تعامل را در سه دسته جای داد: شناختی، رفتاری و احساسی. ویژگی‌های شناختی مربوط به جنبه‌های رسمی ادراک فضایی و همچنین به فرم می‌باشد. ویژگی‌های رفتاری مربوط به جنبه‌های کارکردی فعالیت‌ها و ارتباطات کارکردی بین مردم و محیط زیست است و ویژگی‌های احساسی مربوط به رضایت مندی افراد از یک مکان می‌باشد و همچنین دل‌بستگی که از آن حاصل می‌گردد (رضویان و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۹).

1. Counter
2. Relph
3. Panther
4. Montgomery

۲-۲- شهر جدید

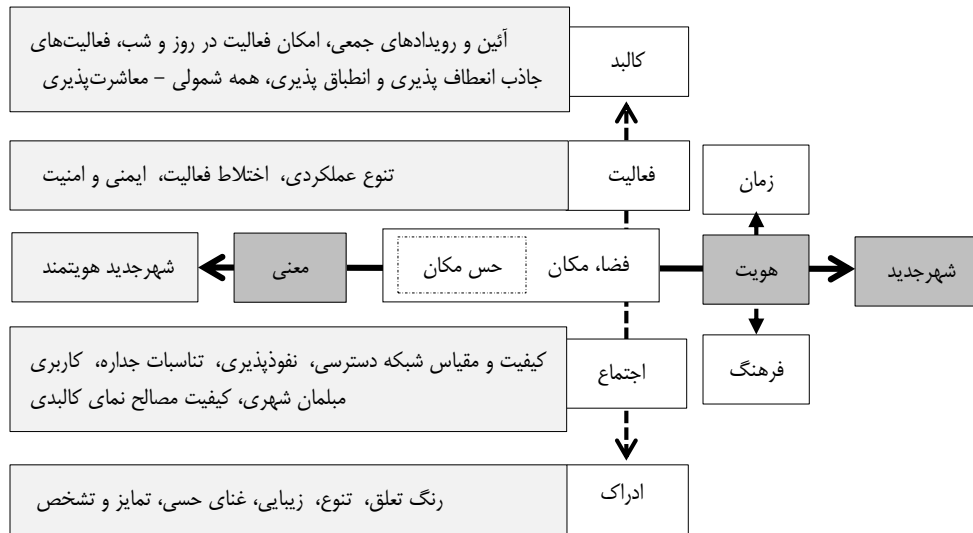
احداث شهرهای جدید حرکت نوبی نیست و تاریخچه آن به بیش از یک قرن پیش برمی‌گردد. اینگونه از شهرها در دنیا برای نخستین بار با نام باغشهر به وسیله هاوردر^۱ و با هدف اصلاحات اجتماعی شهرها مطرح گردیدند(خزائی، شاعلی، ۱۳۸۹: ۸۱). شهرهای جدید، سکونتگاه‌های نوپا و فاقد هسته اولیه قبلی می‌باشند که بر اساس برنامه ساختاری از پیش فکر شده(مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۲) از سال ۱۹۷۱ به بعد در نتیجه توسعه ۱- سرزمین‌ها و نواحی بایر یا نواحی با توسعه پراکنده، ۲- آبادی‌ها و شهرک‌های تبدیل شده به شهر و ۳- شهرک‌های کوچک و متوسط که با درصردشد توسعه بالا و افزایش شتابان جمعیت روبرو بوده‌اند، بوجود آمده‌اند(آندرهیل، ۱۹۹۱؛ به نقل از کرمی، ۱۳۹۶: ۱۰۰). در ایران نیز می‌توان سابقه شکل‌گیری شهرهای جدید را به ایجاد شهرهایی نظیر: تخت‌جمشید، بيشابور، سلطانیه و ... که از پایه و اساس در یک محدوده زمانی مشخص ایجاد شده‌اند و تا حدودی با تعریف شهرهای جدید سازگارند(ابراهیم‌زاده، نگهبان‌مروی، ۱۳۸۳: ۱۶۰)، ارتباط داد. اما طرح آن به عنوان نوعی حرکت اساسی در نظام شهرنشینی کشور، به نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ باز می‌گردد. که بر اساس تعریف قانونی و رسمی شهرهای جدید طبق ماده یک آیین نامه احداث شهرهای جدید مصوبه سال ۱۳۷۶ هیئت دولت: "شهر جدید به مکانی اطلاق می‌شود که در محدوده آن برای اسکان و فعالیت جمعیتی بیش از ۵۰ هزار نفر یا دست‌کم ۱۰ هزار واحد مسکونی، باضافه ساختمان‌ها و تأسیسات مورد نیاز عمومی، اجتماعی، اقتصادی ساکنان، در خارج از حوزه شهری و حریم استحقاقی شهرهای موجود پیش‌بینی شده باشد" (کرمی، ۱۳۹۶: ۱۰۰). در ایران، شهرهای جدید را تقدم شهرسازی بر شهرنشینی دانسته‌اند(اذانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۲)، اما با وجود تحولات نظریه‌ای در خصوص احداث شهرهای جدید در دنیا، از مصوبه سال ۱۳۷۶ به بعد هنوز تعریف چندان جامعی برای آن ارائه نشده است، جز آنکه: شهرهای جدید، اجتماع‌های برنامه‌ریزی شده و خود اتکایی هستند که در پاسخ به اهداف از پیش تعیین شده ایجاد شده‌اند(زیاری، ۱۳۹۴: ۷-۸). بنابراین، می‌توان مطرح کرد در هر کشور بنا بر نوع سیاست و عملکردی که برای احداث شهرهای جدید متصور هستند تعاریف شهر جدید متفاوت خواهد بود.

۳- یافته‌های پژوهش: تعامل مفاهیم

پس از بیان ادبیات پژوهش، در این بخش ابتدا به صورت اجمالی ارتباط بین مفاهیم سازنده میانی طراحی شهرهای جدید هویت‌مند مشخص می‌شود، سپس متاثر از آن مفاهیم، مولفه‌های سازنده و شاخص‌های طراحی شهرهای جدید هویت‌مند ارائه می‌گردد.

شهرهای جدید هویت‌مند: اگر بخواهیم به نقش هویت در شهر بپردازیم ذکر این نکته حائز اهمیت خواهد بود که یک مکان باید برای ساکنانش از یک هویت و از یک ساختار برخوردار باشد، پس شهر نیز به عنوان یک مکان که ترکیبی از عوامل طبیعی، اجتماعی و محیط‌های شناخته شده توسط انسان است، دارای جمعیت ساکن متمرکز شده با هویتی خاص می‌باشد. هویتی که شهر را از سایر شهرها متمایز می‌سازد و به جمعیت ساکن در آن معنا می‌بخشد(وارثی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳). به عبارت دیگر، همانطور که پیش از این مطرح شد و در (شکل ۲) این ارتباط مشهود است؛ سه عامل فرهنگ، زمان و فضا و مکان هویت را تحت تاثیر قرار می‌دهند و به عنوان عوامل اساسی در تعریف شهر جدید هویت‌مند مطرح هستند، لذا از آنجایی که شهرهای جدید در پاسخ به فوریت‌ها و الزامات ناشی از آن با سرعت زیادی ایجاد و توسعه یافته‌اند، مکان‌های انسان ساخت بی‌تاریخ‌اند و به تبع آن از فرهنگ خاص خود بی‌بهره به نظر می‌رسند، لیکن با ورود موج‌های انسانی و اسکان آنان از یک سو شکل‌گیری تاریخ و فرهنگ آغاز می‌گردد و از دیگر سوی آنانی که به شهرهای جدید قدم می‌گذارند با کنش و واکنش‌های اجتماعی، هویتی نو به شهرهای جدید می‌بخشند. ساکنان شهرهای جدید حاملان تاریخ و فرهنگ جامعه‌ای به حساب می‌آیند که در آن رشد و نمو کرده‌اند و به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی گردن می‌نهند. بدیهی است که با ورود خود، تاریخ و فرهنگ جامعه‌ی خود را به کناری نمی‌نهند و آنها را با خود به شهرهای جدید آورده و زمینه شکل‌گیری فرهنگ و تاریخ را پی‌ریزیند(پیران، ۱۳۸۴).

البته ممکن است این موج‌های انسانی که به تازگی به شهر جدید قدم می‌گذارند، بیش از آنکه یک شهروند باشند از سر اجبار سکونت در شهر جدید را انتخاب کرده و هیچ خاطره‌ی قبلی از آن مکان نداشته باشند اما باید دانست که با گذر زمان و مادامی که اجزا و عناصر این شهر همزمان و به طور متوازن در فعالیت باشند، مفهوم زمان در تجربه زیسته یک نسل همچون عامل فرهنگ به مرور زمان در شهرهای جدید ایجاد می‌شود. عامل مکان و فضا نیز در شهرهای جدید در قالب طراحی عرصه‌های عمومی تجلی می‌یابد و زمانی که عرصه‌های اجتماعی برای برقراری تعاملات این گروه از ساکنان ایجاد شوند، به فراخور آن و با گذر زمان خاطرات شکل می‌گیرند و آیندگان از آنها به سان فرهنگ شهر خود یاد می‌کنند(عزیزی، ارباب، ۱۳۸۷: ۱۵۴-۱۵۵).



شکل ۲- دیاگرام ارتباط بین مفاهیم متشکله مبانی طراحی شهرهای جدید هویت‌مند

۳-۱- مؤلفه‌ها و شاخص‌های طراحی شهرهای جدید هویت‌مند

همانطور که در مطالب فوق ملاحظه شد، پس از شکل‌گیری کالبدی که به واقع برآمده از هویت و مؤلفه‌های ماهوی یک سرزمین باشد، شهر، تبدیل به ابزاری برای انتقال مفاهیم، آداب و جلوه‌های فرهنگی آن سرزمین به نسل‌های آینده خواهد شد (حیب و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۲). بر این اساس ایجاد هویت شهری به مفهوم حفظ ساختار مشخصی است که برای افراد مختلف قابل درک و لذتبخش باشد. ساختار مدعی یک محیط شهری و یا یک شهر جدید نباید بسته به واحدی خاص باشد، بلکه می‌بایست عوامل مختلف و مؤثر در این ساختار به صورت لایه‌های مختلف بر روی هم قرار گیرند و در یکدیگر نفوذ کنند تا شبکه و کلیتی بامفهوم و معنی‌دار ایجاد گردد (زینلی قطب‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۰)؛ همانا در این پژوهش لایه‌های مختلف سازنده هویت شهری که برآمده از مفاهیم متشکله مبانی طراحی آن می‌باشند، در قالب مؤلفه‌های سازنده طراحی شهرهای جدید هویت‌مند و شاخص‌های مکمل هریک از مؤلفه‌ها معرفی شده اند (شکل ۳) (جدول ۱).

مؤلفه طبیعی: محیط فیزیکی طبیعت، عنصر عمده سازنده فضاها شهری است و نخستین بستری است که در آن محیط مصنوع شکل می‌گیرد. بکارگیری شرایط طبیعی محیط مصنوع، علاوه بر ارتقای ادراکی و زیبایی شناختی فضاها شهری، محیطی سالم به لحاظ اکولوژیکی و جذابیت فضایی فراهم می‌آورد. این موضوع علاوه بر پایداری شهری، موجبات پایداری کلی منطقه شهری را فراهم می‌سازد (صبری، مشارزاده مهری، ۱۳۸۵: ۲۸۶).

مؤلفه کالبدی: هر شهری از نقطه نظر هویت ساختاری - کالبدی در لایه‌های مختلف زمانی قابل بررسی است و از جمله مهمترین این عناصر، ساختمان‌هایی هستند که در این محیط‌ها وجود دارند و آنها را احاطه کرده‌اند. نحوه قرارگیری این ساختمان‌ها، ترکیب آنها با یکدیگر، ترکیب ساختمان‌ها با فضاهای همجوار آنها، احجام و جزئیات نماها در مقیاس‌های مختلف عواملی هستند که به عنوان مؤلفه کالبدی بر تعیین و تبیین هویت شهری تأثیر می‌گذارند (زینلی قطب‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۰).

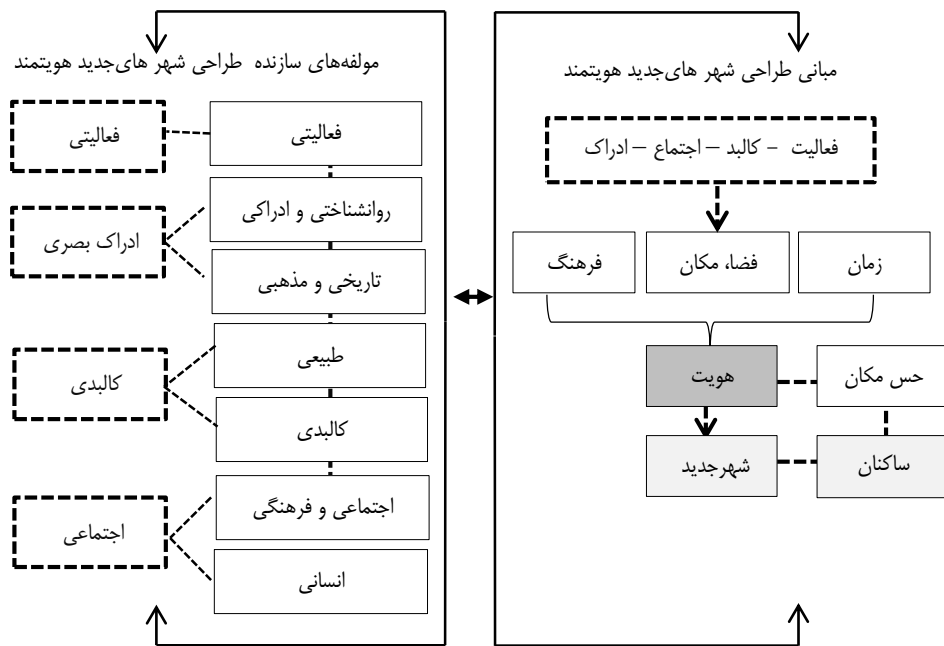
مؤلفه انسانی: مؤلفه انسانی هویت شهری متأثر از نحوه اعمال آداب و رسوم، اعتقادات و سیره و روش زندگی ساکنان هر شهری است و بیش از هر چیز به جنبه‌های مدنی شهروندان برمی‌گردد. سرلوحه این مؤلفه انسانی، لهجه یا زبان آن شهر است که مورد توجه قرار می‌گیرد (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۶۴).

مؤلفه تاریخی - مذهبی: این مؤلفه عموماً شامل مجموعه‌هایی است که حفظ و نگهداری و حیاتبخشی به آنها منجر به استمرار پیام‌های گذشته می‌گردد و در تبیین هویت شهری تأثیرگذارند؛ زیرا انسان متممّن نیازمند آن است که حس کند به جایی در فضا و زمان تعلق دارد. همچنین مذهب به عنوان اصلی انکارناپذیر همواره در اکثر تمنن‌ها وجود داشته و آثار معماری مذهبی عموماً بخشی از هویت شهر را تشکیل می‌دهند (زینلی قطب‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۰).

مؤلفه اجتماعی - فرهنگی: از جمله فعالیت‌هایی که هر شهروند در عرصه زندگی به آنها می‌پردازد، فعالیت‌هایی چون گفت‌وگو، همفکری، مشارکت، لذت بردن از محیط، مکاشفه و تحلیل محیط و نظایر آنهاست، که نیازمند محیط‌هایی فراتر از محدوده خانوادگی و شغلی و حرفه‌ای است. در فرآیند ایجاد محیطی جدید، یکی از ملزومات برای پیروزی در ایجاد حس وابستگی در جمعیت‌های استفاده کننده از آنها، بررسی نوع درک آنها از محیط و فرهنگ و تفسیر آنان از مکان زندگیشان می‌باشد (همان: ۱۱).

مؤلفه فعالیتی: فعالیت‌های اقتصادی نیز می‌توانند به عنوان مؤلفه هویت‌بخش فضاهای شهری مطرح شوند. چه بسیارند برخی از فعالیت‌ها که به طور ویژه در مکان‌ها و یا شهرهای خاصی وجود دارد و به عنوان یکی از ارکان هویتی شهر خود نمایی می‌کنند و چه بسیارند برخی ویژگی‌ها و فعالیت‌های اقتصادی که ریخت شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. و از آن‌رو که شهرهای جدید اغلب به منظور اسکان شاغلان طیف خاصی از جامعه مکان‌یابی و طراحی شده‌اند، نوع فعالیت اقتصادی آنان در ریخت‌شناسی، سیمای شهر و سایر عناصر شهری تجلی خواهد کرد. همچنین به عنوان مثال، تقویت فعالیت‌های ویژه و بومی منطقه، صنایع دستی و گردشگری از نمونه‌های عینی این بخش از هویت شهری است (وارثی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۷).

مؤلفه روانشناختی و ادراکی: اصولاً تأثیر این مؤلفه‌ها در جهت تأمین نیازهای روانی و ادراکی است و شامل ایجاد تصوّر ذهنی مناسب از شهر، فرصت خلاق بودن، امکان جهت‌یابی مناسب در شهر، خوانایی، امنیت و رفاه اجتماعی است. کارکرد مؤلفه‌های روانشناختی و ادراکی در سطح شهر به گونه‌ای است که می‌توان با تعریف نمادها و المان‌های شهری که ویژه همان مؤلفه است، احساس غرور و افتخار نسبت به شهر را در شهروندان به وجود آورد (زینلی قطب‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۱). نوع دیگر از تأثیر مؤلفه‌های روانشناختی و ادراکی تأثیری است که از تعامل میان افراد با یکدیگر و برخورد چهره به چهره شهروندان در فضاهای شهری به وجود می‌آید. این فضاها به استفاده‌کنندگان امکان نظارت اجتماعی و کنترل رفتار دیگران را می‌دهد که این خود خاطرات و تجربیات مثبت را به وجود می‌آورد. هر چه این خاطرات بیشتر و قوی‌تر باشند، هویت شهر یا انسان کامل‌تر می‌گردد. رویدادها و اتفاقات روزانه نیز در تشکیل خاطرات شهر و انسان مؤثر است. برگزاری مسابقات، گردهمایی‌های محلی، منطقه‌ای و ملی، نمایش‌های خیابانی، عزاداری‌ها از جمله رویدادهایی هستند که در حافظه شهر می‌ماند و شهر خاطره‌انگیز می‌گردد (وارثی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶).



شکل ۳- دیاگرام مؤلفه‌های سازنده شهرهای جدید هویتمند متسخرج از مبانی طراحی آن

جدول ۱- شاخص‌های مکمل مولفه‌های سازنده طراحی شهرهای جدید هویت‌مند

مؤلفه	شاخص‌های طراحی شهرهای جدید هویت‌مند
کالبدی	جلوگیری از ساخت و سازهای با تراکم بالا در مجاورت کیفیت‌های اکولوژیک
	ایجاد ارتباط بهینه میان محیط طبیعی و شهر
	پیوستگی بین محیط و منظر خیابان با مبلمان شهری
	هماهنگی میان مبلمان‌های شهری با یکدیگر
	جدا کننده‌های نرم و سخت
	تعادل، توازن و تناسب در فرم و نماهای ساختمان‌ها
	محصوریت فضایی
	ترکیب بنا با فضاهای همجوار
	وحدت میان نمای ساختمان‌ها
	انتخاب مواد و مصالح با توجه به رنگ غالب نماهای شهری
	هماهنگی بین حرکت سواره و پیاده
	کف‌سازی مناسب مسیر سواره و به ویژه پیاده
	تغییر تدریجی در ارتفاع قطعات
	تناسبات ارتفاع جداره ساختمان و عرض فضا
فعالیتی	وجود فعالیت‌های ضروری، انتخابی و اجتماعی
	فعالیت‌های جاذب جمعیت
	ایمنی مردم در فضا
	میزان فعال بودن لبه‌ها
	اختلاط اجتماعی و نظارت شهروندی با توجه به زمان‌های مختلف استفاده در نقاط عطف شهری
	فعالیت‌های بومی محلی و منطقه‌ای
	بازگرداندن مفهوم فضای شهری به میدان
اجتماعی	میزان تعاملات اجتماعی
	میزان حضورپذیری فضای شهری در زمان‌های متفاوت از شبانه روز
	تجربیات مکان (مراسم آئینی)
	مشارکت مردمی در پروژه‌های شهری
	آگاه‌سازی شهروندان نسبت به کیفیت‌های مطلوب شهر
ادراک بصری	گردهمایی و نمایش‌های خیابانی
	وجود ساختمان‌های جذاب
	هماهنگی بدنه‌ها مطابق با فرهنگ اسلامی
	تقویت خوانایی ساختار و استراکچر کالبدی - اجتماعی - فعالیتی
	توجه به خط آسمان، ریتم‌های نما و حرمت‌گذاری عناصر خاص
	استفاده از سطوح باز و شفاف بیشتر نسبت به سایر بخش‌های بدنه
	تحدید فضای پرسپکتیو دید انسانی و ایجاد تناسب و ریتم در منظر شهری
	گونه ساختمان
	نحوه تصرف ساختمان
	چشم اندازهای با ارزش به بناهای نشانه‌ای
تنوع در جداره‌ها	

۴- نتیجه گیری

در پژوهش کاربردی حاضر ابتدا ادبیات مرتبط با موضوع نظیر: هویت و مفاهیم وابسته به آن و تعاریف موجود در خصوص شهرهای جدید و تاریخچه شکل‌گیری آنان که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای بدست آمده‌اند، توصیف شده و سپس به منظور پاسخ به پرسش‌های پژوهش، ارتباط بین مفاهیم سازنده مبانی طراحی شهرهای جدید هویت‌مند روشن شده‌است. در پاسخ به پرسش اول: مولفه‌های سازنده طراحی شهرهای جدید هویت‌مند کدامند؟ می‌توان به اهمیت سه عامل کلیدی زمان، فرهنگ و مکان و فضا اشاره کرد، زیرا مولفه‌های موثر در ایجاد هویتی نو در شهرهای جدید که عبارتند از: کالبدی، فعالیتی،

اجتماعی، ادراک بصری از بطن این سه عامل پدیدار شده‌اند و هریک از آنان به سهم خود سبب بهبود و ارتقا هویت در شهرهای جدید خواهند شد. پس از بیان اجمالی مولفه‌های سازنده طراحی شهرهای جدید هویتمند، در پاسخ به پرسش دوم: چه شاخص‌هایی به عنوان مکمل هریک از مولفه‌های سازنده طراحی شهرهای جدید هویتمند وجود دارد؟، متناسب با هر مولفه شاخص‌هایی نظیر: ایجاد ارتباط بهینه میان محیط طبیعی و شهر، فعالیت‌های بومی محلی و منطقه‌ای، میزان تعاملات اجتماعی، وجود ساختمان‌های جذاب و... ارائه شده‌اند. اگرچه این شاخص‌ها جامعیت نداشته و قابل بهبود و تکمیل هستند، اما آنچه مهم است شیوه تعامل این شاخص‌ها و میزان اثرگذاری آنها بر هویت شهری است.

با این تفاسیر برای راهی از بحران بی‌هویتی و پاسخگویی به ابعاد روحی و روانی ساکنان شهرهای جدید، لازم است که در تمامی مراحل، از تصمیم‌گیری برای احداث شهرهای جدید، تا مکانیابی و مدیریت آنها، به مبحث هویت شهری توجه شود. ایجاد هویت شهر جدید، اقدامی است که منحصر به دخالت در یک جنبه نمی‌شود، بلکه جنبه‌های مختلف محیطی، کالبدی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی را شامل می‌شود (وارثی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۴).

منابع

۱. ابراهیم زاده، عیسی و نگهبان مروی، محمد (۱۳۸۳)، «تحلیلی بر شهرنشینی و جایگاه شهرهای جدید در ایران»، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۵، صص ۱۵۲-۱۷۲.
۲. اذانی، مهری و مهدی زاده، زهره و حاج نبیان، صباح الخیر (۱۳۸۵)، «بررسی نقش فضاهای شهری در ایجاد هویت شهرهای جدید»، سپهر، شماره ۸۵، صص ۵۱-۵۶.
۳. بهزادفر، مصطفی (۱۳۹۰)، «هویت شهر»، انتشارات شهر، تهران.
۴. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۱)، «سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۳ از فضا تا مکان»، انتشارات آرمان شهر.
۵. پرتوی، پروین (۱۳۸۲)، «مکان و بی مکان»، هنرهای زیبا، شماره ۱۴، صص ۴۰-۵۰.
۶. پورمند، حسنعلی و محمودی‌نژاد، هادی و رنج آزما آذری، محمد (۱۳۸۹)، «مفهوم مکان و تصویر ذهنی» و مراتب آن در شهرسازی از دیدگاه کریستین نوربری شولتز" در رویکرد پدیدارشناسی»، مدیریت شهری، شماره ۲۶، صص ۷۹-۹۲.
۷. پیران، پیروز (۱۳۸۴)، «شهرهای جدید بی تاریخ و بدون فرهنگ: مساله هویت یابی»، همایش بین‌المللی شهرهای جدید، تهران.
۸. حبیب، فرح و نادری، مجید و فروزانگر، حمیده (۱۳۸۷)، «پرسمان تبعی در گفت‌وگو کالبد شهر و هویت»، هویت شهر، شماره ۳، صص ۱۳-۲۳.
۹. خزائی، زهرا و شاعلی، جعفر (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل تاثیرگذار بر توسعه یا تهدید پایداری در شهر جدید اندیشه»، جغرافیای سرزمین، شماره ۳۰، صص ۷۹-۹۵.
۱۰. رضویان، محمدتقی و محمدی، عبدالحمید و برغمندی، مجتبی و شمس پویا، محمد کاظم (۱۳۹۳)، «ارزیابی هویت‌های محله‌های شهری با سنجش حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: محله چای بوئی شهر گنبد کاووس)»، دانش زمین، شماره ۱۸، صص ۲۷-۳۷.
۱۱. زیاری، کرامت‌الله (۱۳۹۴)، «برنامه ریزی شهرهای جدید»، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۱۲. زینلی قطب آبادی و امینه (۱۳۹۴)، «شناسایی نقش مؤلفه‌های طبیعی در ایجاد هویت شهری (نمونه موردی: شهر بابک)» منظر شهر، شماره ۴، صص ۷-۱۹.
۱۳. سجادی قائم مقامی و پروین السادات، پوردیهیمی و شهرام، زرغامی، اسماعیل (۱۳۸۹)، «اصول پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی»، صفه، شماره ۵۱، صص ۷۵-۸۸.
۱۴. سرمست، بهرام و متوسلی، محمد مهدی (۱۳۸۹)، «بررسی و تحلیل نقش "مقیاس شهر" در میزان "حس تعلق به مکان" (مطالعه موردی: شهر تهران)»، مدیریت شهری، شماره ۲۶، صص ۱۳۳-۱۴۶.
۱۵. شاطریان، محسن و سهراب‌زاده، مهران و امامعلی‌زاده، حسین و حسینی‌زاده، سعید (۱۳۹۵)، «بحران هویت و انزوای اجتماعی در شهرهای جدید و رابطه آن با رضایت از محل سکونت (مورد مطالعه: شهر جدید پردیس)»، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۲۸، صص ۱۱۱-۱۳۴.
۱۶. صبری، سهیل و مشارزاده مهرابی، زهرا (۱۳۸۷)، «جایگاه مفهوم هویت در شهرهای جدید»، هویت شهرهای جدید، شرکت عمران شهرهای جدید، تهران.
۱۷. عزیززی، محمد مهدی و ارباب، پارسا (۱۳۸۷)، «چالش هویت در شهرهای جدید»، هفت شهر، شماره ۲۵، صص ۱۴۸-۱۵۷.

۱۸. فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵)، «مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن»، هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۵۷-۶۶.
۱۹. قشقایی، رضا و موحد، خسرو و مضطرزاده، حامد (۱۳۹۷)، «تدوین معیارهای طراحی منظر شهری در راستای برانگیزش حس تعلق به مکان»، مدیریت شهری، شماره ۵۰، صص ۴۳۵-۴۶۰.
۲۰. کارمونا، متیو (۱۳۹۴)، «مکان‌های عمومی، فضاهای شهری»، ترجمه فریبا قرائی و همکاران. انتشارات دانشگاه هنر.
۲۱. کاوش‌نیا، حامد و بندرآباد، علیرضا و مدیری، آتوسا (۱۳۹۶)، «مؤلفه‌ها و شاخص‌های شکل‌گیری مکان به عرصه‌های شهری از منظر نظریه انتقادی»، مدیریت شهری، شماره ۳۹، صص ۱۵۱-۱۷۰.
۲۲. کرمی، حجت (۱۳۹۶)، «ارزیابی و مقایسه شهر جدید شوشترون طی دوره‌های مختلف، (۱۳۹۴-۱۳۵۳) و ارائه پیشنهادها»، طراحی شهری به منظور بهبود کیفیت آن «مطالعات عمران شهری، شماره ۴، صص ۹۹-۱۲۲.
۲۳. کریمی مشاور و مهرداد، نگین تاجی، فرشاد (۱۳۹۷)، «تأثیر هویت مکانی بر ایجاد حس وابستگی و نقش آن در شکل‌گیری منظر شهری (مطالعه موردی: شهر یاسوج)»، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۳۳، صص ۶۹-۸۴.
۲۴. گلکار، کورش (۱۳۹۳)، «آفرینش مکان پایدار»، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۵. گلکار، کورش (۱۳۷۹)، «مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری»، صفة، شماره ۳۲، صص ۳۸-۶۵.
۲۶. گلکار، کورش (۱۳۸۲)، «از تولد تا بلوغ طراحی شهری»، صفة، شماره ۳۶، صص ۹-۲۳.
۲۷. مشکینی، ابولفضل و سلیمانی، محمد و زارعی، حسین و زارع پیشه، نرگس (۱۳۹۲)، «ارزیابی میزان تحقق‌پذیری اهداف شهرهای جدید در ایران (مطالعه موردی: شهر جدید صدرا)»، مطالعات برنامه‌ریزی شهری، شماره ۱، صص ۲۹-۴۱.
۲۸. مشکینی، ابولفضل و قاسمی، اکرم و حمزه نژاد، مهدی (۱۳۹۲)، «ارزیابی حس تعلق به مکان ساکنان شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد)»، فضای جغرافیای، شماره ۴۸، صص ۴۱-۵۶.
۲۹. ملک افضلی، علی اصغری و قاسم شریفی، تقی (۱۳۹۸)، «شناسایی چالش‌های هویت فضاهای شهری مسکن مهر شهر جدید (مطالعه موردی: پژوهی: شهر جدید پردیس)»، جغرافیا و روابط انسانی، شماره ۱، صص ۱۵۰-۱۸۴.
۳۰. نژادستاری، سعیده و میرزایی، شکوفه و تیموری، سیاوش (۱۳۹۱)، «معنا در مکان و آفرینش هویت (نمونه موردی: بازار کرمانشاه)»، مطالعات ملی، شماره ۲، صص ۱۲۱-۱۴۱.
۳۱. نصر، طاهره و ماجدی، حمید (۱۳۹۲)، «نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی»، معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۱۱، صص ۲۶۹-۲۷۷.
۳۲. نوفل، علیرضا و کلبادی، پارسا و پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸)، «بررسی و ارزیابی شاخص‌های موثر در هویت شهری»، آرمانشهر، شماره ۳، صص ۵۷-۶۹.
۳۳. وارثی، حمیدرضا و عامل بافنده، مهدی و محمدزاده، محمد (۱۳۸۹)، «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید»، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۲، صص ۱۷-۳۶.
۳۴. وارثی، حمیدرضا و علی زاده، جابر و صالحی، مریم (۱۳۹۰)، «تحلیل و ارزیابی احساس هویت ساکنین در شهرهای جدید (نمونه موردی: شهر جدید فولاد شهر)»، برنامه‌ریزی فضایی، شماره ۳، صص ۳۷-۶۲.
35. Hashemnezh, H., & Heidari, A., & Mohammad Hoseini, P. (2013). "Sense of Place" and "Place Attachment", in International Journal of Architecture and Urban Development, no. 1, pp 8-12.
36. Lynch, k. (1981). a Theory of Good CityForm, Cambridge Massachusetts.

پی‌نوشت:

۱. پدیدارشناسی: دیدگاهی است که در آن، رویدادها را در جریان داد و ستدی که میان خصوصیات کالبدی و محسوس محیط از یک سو و الگوها و رموز فرهنگی و توانایی ذهنی فرد ناظر از سوی دیگر، شکل می‌گیرد تشریح می‌کنند (گلکار، ۱۳۹۳: ۹۶).
2. Project for Public Spaces (PPS): is a nonprofit planning, design, and educational organization dedicated to helping people create and sustain public spaces that build stronger communities.